

تصحیح لباب الالباب

مدتی این قسمت بکای فراموش شد و اینک تقاضا و تذکار دوستان باعث
برنگارش گردید و امید است بدون فراموشی بانجام رسد .

(۵۴)

فزونی در صفحه ۳۴۷ سطر ۱۹ گوید ص ۲۱۸ س ۲۲ بلوائی غلط است
(از شاعر نه از ناسخ) زیرا که بلوی مقصور است و مد مقصور. مقصور بر سماع
است و قیاسی نیست انتهی



مقصود وی این بیت است از فخرالدین محمد الزر خالی السرخسی

اخلائی اخلائی فدیتکم اخلائی اعینونی اعینونی علی همی و بلوائی



بارها گفته ایم که در اسانید و سخن سنجان قدیم غلط گوئی معمول
نبوده و اگر در کلمات آن بنظره اولی خطا و غلطی منظر شد نباید فوری
حکم بطل سرائی گوینده کرد بلکه باید در مقام تحقیق بر آمد تا خطا از
نظره اولی دور گردد. آیا چگونه ممکن است که فخرالدین شعر غلط بگوید
و عوفی بنگار و از نظر چندین هزار فاضل متبحر آن زمان بگذرد و هیچکدام
ملفت نشوند !

باری مسئله سماع و قیاس درین مقام اصلاهی مورد است و در علم
نحو اب مفصلی دارد که هر يك از مد مقصور و قصر محدود به دو قسم
سماعی و قیاسی منقسم شده و برای تحقیق باید بمحل خردش رجوع شود

درین مقام فقط باید از جواز بسبب ضرورت و عدم جواز بحث کرد پس میگوئیم (بلوایی و مولائی) و امثال آن که بسبب ضرورت مقصور ممدود شده صحیح است و غلط نیست زیرا قصر ممدود با اتفاق علماء هنگام ضرورت جایز ولی مدم مقصور محل اختلافست بین کوفیون و بصریون و کوفیون جایز دانسته اند بدلیل این مصراع (فلا فقر یدوم ولا غناء) که غنی با اینکه مقصور است در کلام قدماء بجهت ضرورت ممدود شده و همین قدر که مسئله محل اختلاف شد اطلاق غلط بران غلط است اساتید سخن هم بسیار از کوفیون پیروی کرده و برای ضرورت مقصور را ممدود ساخته اند و اینک نمونه از اشعار آنان

از دیوان منسوب بعلی (ع)

و کم ساع لیثری لم یناه و آخر ما سعی لحق الثراء

قاضی عبدالحفیظ

سررت ثم خشیت فرقتك التی هسی عندنا من اعظم البلاء

دیگری گوید

و کذا کل مولع بحبیب یتکنی و هل تقید الکناء

ابن عمید در قصیده معروف حبسیه گوید

بالله لیلی ولو کذبا بصبحتك عد بالله یومی ولو کذبا بپشرائی

نیل و دجلة و الجیحون رابعها سبحون جمالتها آماق نکلاء

(نری) و (بلوی) و (کسنی) و (بشری) و (نکلی) همه مقصورند و بجهت

ضرورت ممدود شده اند .

(۵۵)

قزوینی در صفحه ۲۴۹ سطر هشتم گوید

ص ۲۲۹ س ۴ صحیح اسقاط (یحیی بن) است الخ



این تصحیح هیچ دلیل ندارد جز آن دو نسخه که قزوینی نام میبرد و این هم دلیل قطعی نیست زیرا ممکن است در آن دو نسخه اشتباه واقع شده باشد بعلاوه لقب محبی الدین که عوفی ذکر کرده با محبی تناسب دارد پس این محبی ممکن است پسر محمد بن محبی باشد که در فتنه غز کشته شد بلی اگر دلیلی قاطع در دست بود که امام محمد پسری محبی نام نداشته این تصحیح مورد پیدا میکرد .

(۵۶)

قزوینی در صفحه ۳۵۰ سطر دهم گوید :

ص ۳۳۴ س ۴ مراد کلمه شهابست چه لقب ممدوح شهاب الدین است و چون شهاب قاتل شیطین است دشمنان و س را تشبیه بشیطین نموده . مقصود ترجمه این بیت است

آنکه سر بر دولتش هست براوج آسمان نام مبارکش بین نحسی دشمنش بدان



کنیت ممدوح شاعر ابو سعداست و معنی شعر چنین میشود که نام مبارک ابوسعدر را بین و نحسی دشمن او را بدان زیرا ضد سعد لاجرم نحس خواهد بود و بحکم سیاق شعر و ذوق کلمه شهاب ابدا مراد شاعر نیست و تشبیه دشمنان و س بشیطان بدلیل اینکه شهاب قاتل شیطین است بهیچ اصل و قاعده ازین بیت استخراج نمیشود .

